**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

کلام در این بود که اگر شک داشتیم در ابتلاء و عدم ابتلاء در مقام علم چه باید کرد، گفتیم سه صورت دارد، صورت اول حصول شک به خاطر شبهه در مسألۀ اصولی است. نتوانسته به نتیجه برسد آیا تکلیف غیر مبتلی مستهجن است یا مستهجن نیست؟

اینجا گفتیم دو نظر است شیخ انصاری و محقق نائینی قائلند که در این مورد باید احتیاط کرد، در مقابل محقق خراسانی و محقق اصفهانی قائل به اصل برائت هستند.

دلیلی داشت شیخ انصاری و آن دلیل تمسک به اطلاق ادلۀ محرمات بود، «اجتنب عن الدم» چه مبتلی به باشد یا نباشد، «اجتنب عن الخمر» چه مبتلی به باشد یا نباشد، محقق خراسانی یک اشکالی کردند که زیر بنای مبنایشان هم همین اشکال بود، خلاصۀ اشکال این بود که تمسک به اطلاق در مقام اثبات وقتی است که ثبوتا و فی نفس الامر، دلیل امکان اطلاق داشته باشد. در ما نحن فیه ما شک داریم آیا ثبوتا توجه تکلیف به غیر مبتلی درست است یا مستهجن است؟ چون ثبوتا اطلاق ممکن است محذور داشته باشد در مقام اثبات نمی‌شود به اصالۀ الاطلاق تمسک کرد.

محقق نائینی از این بیان محقق خراسانی دو جواب می‌دهند، تعبیر ما این بود یک جواب حلی و یک جواب نقضی و بعد اثبات می‌کنند کلام شیخ انصاری درست است، تمسک به اطلاق ادلۀ محرمات می‌کنیم و می‌گوییم احتیاط واجب است.

اما جواب حلی محقق نائینی، ایشان می‌فرمایند در مباحث حجیت ظهور بررسی شده است که ظاهر کلام مولا حجت و واجب الاتباع است، مگر قرینه بر خلاف اقامه شود، حجت بر خلاف داشته باشیم، چه حجت شرعی و چه حجت عقلی، صرف احتمال حجت بر خلاف، جلوی اصالۀ الظهور را نمی‌گیرد. در محرمات ظاهر ادله اطلاق دارد «اجتنب عن الخمر»، «اجتنب عن النجس»، اگر بگوییم خمر نجاست هم دارد، ظاهرش قید ابتلاء ندارد، این ظهور تا حجت عقلی یا شرعی بر خلاف نباشد واجب الاخذ است، اینکه احتمال بدهیم در بعضی از شقوق توجه تکلیف مستهجن است یعنی احتمال بدهیم حجت عقلائی بر خلاف ظهور داریم، احتمال حجت فائده ندارد و جلوی ظهور را نمی‌گیرد لذا اگر دلیل قاطع بر جلوگیری از این ظهور داشتید فهو المتبع اما اگر دلیل قطعی بر خلاف ظهور نداشته باشید، احتمال، مانع از انعقاد ظهور نمی‌شود شما احتمال می‌دهید توجه تکلیف به غیر مبتلی مستهجن باشد نتوانستید به نتیجه برسید صرف احتمال خلاف ظاهر باعث نمی‌شود که شما دست از ظهور بردارید بنابراین کلام اطلاق دارد و اطلاقش حجت است.

**ثانیا:** محقق نائینی به محقق خراسانی می‌فرمایند اگر این بیان شما را ما اینجا قبول کنیم لازمه‌اش این است که هیچ‌جا به اصالۀ الاطلاق نتوانیم تمسک کنیم و اصالۀ الاطلاق و حجیتش باید از سجلّ مباحث اصولی حذف شود و اصلا ما اصالۀ الاطلاقی دیگر نخواهیم داشت.

می‌فرمایند به خاطر اینکه شما محقق خراسانی ادعای شما این است که ما اینجا به اطلاق «اجتنب عن النجس» چه مبتلی و چه غیر مبتلی عمل نمی‌کنیم چون احتمال می‌رود که تعلق تکلیف به غیر مبتلی مستهجن باشد چون احتمال استهجان است، بنابراین تکلیف، غیر مبتلی را شامل نمی‌شود و اطلاق ندارد. محقق نائینی می‌فرمایند هر جا تمسک به اطلاق است یک احتمال قبح ثبوتا به وجود می‌آید و باید همین حرف را بزنید.

**مثال:** محقق نائینی می‌فرمایند مگر شما در بیع معاطاتی به اطلاق «احل الله البیع» تمسک می‌کنید یا نه؟ مولا فرموده است «احل الله البیع» نگفته بیع با صیغه، لذا هم بیع معاطاتی گذارست و هم بیع با صیغه. از این طرف ما احتمال می‌دهیم بیع معاطاتی مفسده‌ای داشته باشد که به خاطر آن مفسده توجه تکلیف به بیع معاطاتی قبیح باشد با اینکه این احتمال را می‌دهید مگر به اطلاق «احل الله البیع» تمسک نمی‌کنید؟ تمسک می‌کنید.

**مثال مهمتر:** مولا گفته است «اکرم العلماء» شما می‌گویید مولا نگفته اکرام علمای عدول، کلام اطلاق دارد، هم اکرام علمای عادل لازم است و هم اکرام علمای فاسق، احتمال می‌دهیم اکرام علمای فاسق مفسده‌ای داشته باشد پس توجه وجوب به متعلقی که مفسده دارد قبیح و مستهجن است با اینکه احتمال استهجان می‌دهید به اصالۀ الاطلاق یا به عموم «اکرم العلماء» تمسک می‌کنید.

**نتیجه:** اگر احتمال استهجان و لغویت جلوی اطلاق را بگیرد شما در هیچ موردی تمسک به اصالۀ الاطلاق نمی‌توانید داشته باشید.

عبارت محقق نائینی را در فوائد الاصول ج 4 ص 61 دقت کنید. البته این ان قلت و قلت را در صورتی که شبهه مفهومی است، صورت دوم ایشان بیان می‌کنند ولی الکلام، الکلام، در صورت اول هم این مسأله جاری است. در ان قلت اشکال محقق خراسانی را ذکر می‌کنند و بعد جواب می‌دهند.

«فإن قلت: التمسّك‏ بالإطلاقات‏ و العمومات اللفظيّة إنّما يصحّ بعد الفراغ عن صحّة الإطلاق و العموم النّفس الأمري و إمكان تشريع الحكم على وجه يعمّ المشكوك فيه، فحينئذ يجوز التمسّك بالعمومات اللفظيّة في موارد الشكّ في التخصيص»، این اشاره به اشکال محقق خراسانی است که هم در حاشیۀ رسائل و هم در فوائد الاصول و هم در کفایۀ الاصول دارند.

بعد محقق نائینی می‌فرمایند: «قلت: هذا الكلام بمكان من الغرابة»، بعد جواب حلی دارند که ما بیان کردیم، بعد جواب نقضی ایشان، «و لو كان التمسّك بالمطلقات و العمومات اللفظيّة مشروطا بإحراز إمكان الإطلاق النّفس الأمري لانسدّ باب التمسّك بالمطلقات بالكلّيّة».

شهید صدر و جمعی از تلامذۀ محقق خوئی هم این کلام محقق نائینی را قبول کرده‌اند اشکال محقق نائینی به محقق خراسانی، و شهید صدر تعبیر می‌کنند که اشکال محقق نائینی «متین جدا»، لذا نتیجه می‌گیرند اصالۀ الاطلاق حجت است، کاری به مقام ثبوت نداریم، تا مانع و حجت قطعی شرعی یا عقلی جلوی این ظهور را نگیرد. احتمال فائده ندارد اگر حجت عقلی و شرعی بر خلاف نبود اصالۀ الاطلاق جاری است و از مقام اثبات به مقام ثبوت می‌رسیم، می‌گوییم حالا که کلام مولا مطلق است معلوم می‌شود ثبوتا مشکلی ندارد و اصالۀ الاطلاق جاری است. این خلاصۀ دقت محقق نائینی است که شهید صدر هم قبول می‌کنند.

عرض ما این است که محقق خراسانی یک نگاه دقیقی به نظر ما در تمسک به اطلاق دارند، یک تفصیل دقیقی است در مسأله که شاید اینگونه باشد از طرف محقق نائینی و بعضی از محققین به این نکتۀ دقیق توجه نشده است آن نکته را توضیح بدهیم، بعد برمی‌گردیم و با حرف محقق نائینی به صورت کلی و بالجمله موافقیم.

برای توضیح مطلب عرض می‌کنیم قیودی که در کلام شارع اخذ می‌شود یا ممکن است اخذ شود بر دو قسم است.

**قسم اول:** گاهی قیود، قیود شرعی است که صغرا و کبرایش به دست شارع است، و عقل در آن دخالت ندارد، در آنجا که قیود، قیود شرعی است صغرا و کبرا به دست شارع است، کلام محقق نائینی کاملا درست است، ما تا ملاحظه کردیم نسبت به این قید کلام مولا اطلاق دارد لا محاله به این نتیجه می‌رسیم از اطلاق در مقام اثبات، می‌گوییم در مقام ثبوت شارع مشکلی اینجا ندیده است لذا کلام را مطلق آورده است، از مقام اثبات می‌رسیم به مقام ثبوت و نسبت به قیود شرعی این مسأله هیچ مشکلی ندارد.

ادامۀ کلام ان شاء الله جلسۀ بعد خواهد آمد.

1. - جلسه 55 – مسلسل 173– دوشنبه – 15/10/1399 [↑](#footnote-ref-1)